



معرفی اثر در دست انتشار

برخورد عصر فتحعلی‌شاه و محمدرضا قاجار با اروپا باعث ایجاد شیوه جدید تاریخ نگاری در ایران گشت. این شیوه ابتدای امر، خود را در تاریخ شهرها متجلی نمود و سپس در دوران مشروطه و پس از آن به بیان نو و جدیدی در تاریخ ایران متحول گشت.

اعتماد السلطنه در عصر ناصری از زمره کسانی بود که به ایجاد وزارت انطباعات و تربیت محققین و مورخین پایه بنا را محکم نمود. اگرچه بسیاری بر این اعتقادند که کتب متعدد وی نیز نتیجه زحمات همین شاگردان بوده است. از جمله شاگردان وی افضل‌الملک بود. او خود را در مقدمه افضل‌التواریخ چنین معرفی می‌کند: «این بنده غلامحسین خان افضل‌الملک مستوفی دیوان همایون اعلی این مرحوم مهدی‌خان بن علی خان بن ابراهیم خان انور ابن وکیل الرعایا کریم‌خان زند»^۱.

نگارنده مدینه‌الادب ذیل مدخل ادیب کرمانی درباره وی می‌نویسد: «پدرش از تعدیات حسین خان نظام الدوله به طهران آمده امام قلی میرزا عمادالدوله از وی نزد ناصرالدین شاه تقویت کرده و وی در تهران ساکن شده دختر آقا سیدمحمسن کاشانی را به زنی برده افضل‌الملک در صبح بیست و پنجم سال هزار و دویست و هفتاد و نه هجری [۱۲۲۹] از وی متولد شد و چون به حد رشد و تمیز رسید به تحصیل علوم پراخته در مقامات علمی از او انشاء و حساب و فقه و اصول و حکمت و کلام و فلسفه و تاریخ قدیم و جدید ایران و تفسیر و عروض و قافیه به مرتبه عالی رسیده»^۲.

به واسطه آشنایی به زبان عربی «در بدو امر و ایام جوانی از مترجمین دارالترجمه بوده روزنامه‌های عربی که از اسلامبول و مصر برای ناصرالدین شاه می‌فرستادند مشارالیه مطالب سیاسی و پلتیکی آن را ترجمه کرده کتابچه ساخته به حضور پادشاه می‌برد و روزها در سردر ارک که دارالترجمه دولتی بود با چند [از] مترجمین السنه خارجی حاضر خدمت بود»^۳. به نظر می‌رسد که در همین زمان است که در دربار و در وزارت انطباعات در ذیل خدمت اعتمادالسلطنه در آمد و نسبت به ضبط تاریخ شهرها اقدام نمود که در همین متن اشاره به حکومت ظل السلطان در اصفهان می‌نماید و تاریخ ۱۲۰۱ هجری قمری را ضبط می‌کند.

در سال ۱۳۰۷ هجری قمری به خراسان رفت و به سمت ندیمی رکن الدوله منتخب و به ندیم باشی مخاطب و ملقب گردید. سپس چندی در حکومت رادکان و چاران و پنج طایفه اکراد نزدیک قوچان و سه طایفه شوانلو و پهلوانلو و پروانلو و تحویلنداری جنس دیوانی خراسان و چندی حکومت خاف و تربت‌حیدری و پیشکاری و مالیات سبزوار و تصفیه مالیات قوچان^۴ و چند سالی ریاست دارالانشاء دفتر خراسان به عهده وی بود و چندی هم پیشکار مالیات قم و ساوه و زرنند بوده است»^۵.

از روایاتی که وی با امین السلطان داشته پس از قتل ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هجری و تثبیت امین‌السلطان در صدراعظمی روابط حسنه‌ای نگارنده با دربار مظفری پیدا کرد چنانکه «نوبت سلطنت در اوایل سنه هزار و سیصد و چهارده هجری [۱۳۱۴] به مظفرالدین شاه رسید به صورت دستخط شاهانه و فرمان دولتی امر و مقرر گردید که هر ساله تاریخ دولتی و وقایع سلطنتی و تعبیر و تعیین وزرا و حکام را به راستی و درستی بنگارد و هر ساله جلدی به حضور همایونی تقدیم کند و اضافه مرسومی در آراء این خدمت به مشارالیه داده می‌شد»^۶.

میرزا غلامحسین خان افضل

این روش همچنان ادامه داشت تا زمانی که میرزا علی‌اصغر خان امین السلطان در سال ۱۳۱۹ هجری قمری به دستور شاه از صدارت کناره گرفت و شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله نوه فتحعلی شاه به صدارت برگزیده شد. «وی به افضل‌الملک که اظهار عقیدت و خلوص به میرزا علی‌اصغر خان می‌کرد بی‌محبت شده سیصد و چهل تومان از حقوق دیوانی وی را کاسته ضبط دولت کرد. مشارالیه [نیز] آن تاریخ را نگاشت»^۷.

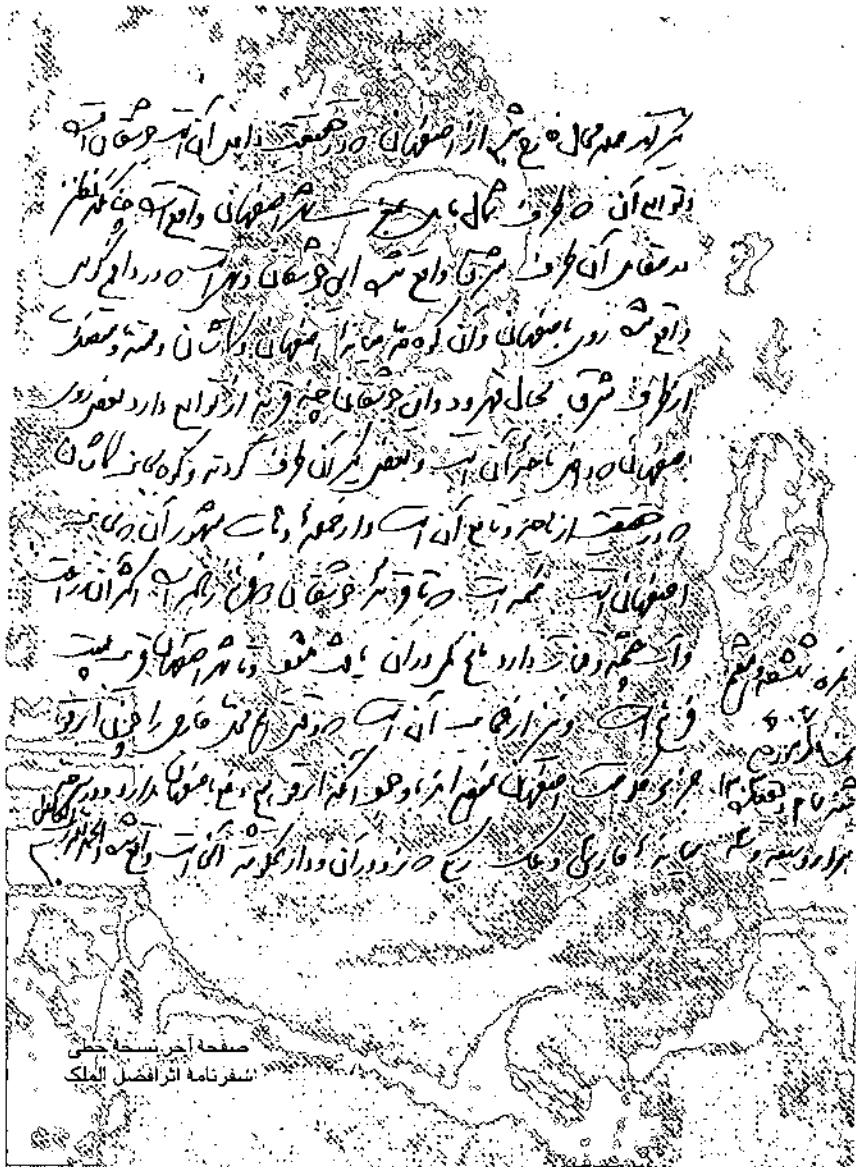
باصدور فرمان مشروطیت و عزل عین‌الدوله، میرزا نصرالله خان نائینی



(مشیرالدوله) به صدارت منصوب و پس از فوت شاه در ابتدای حکومت محمدعلی شاه همچنان باقی بود. در این زمان افضل الملک «عریضهای به محمدعلی شاه نوشته از بی حرمتی شاهزاده عینالدوله شکایت کرد. دوباره به صدور دستخط شاهانه و همراهی صدراعظم موجب مقطوعی دربارش برقرار گردید و به ایالت خراسان نزد رکن الدوله ثانی که با وی مصاحب بود به سمت ریاست دفتر و منشی باشی گری به خراسان رفت و در سال دیگر که رکن الدوله به ایالت کرمان منصوب گردید نیز با وی به کرمان رفت. در سه سفر خود به خراسان سه سفرنامه نوشته است که جغرافی و شرح حال رجال و صورت مالیات آن سامان در آن ثبت و ضبط است. سفرنامه‌های هم درباب کرمان و راه لوت نوشته که مطالب تاریخی در آن مندرج است. [در] کتب ثانی هم که رکن الدوله ثانی علی قلی میرزا به ایالت خراسان و سیستان منصوب شد وی نیز به ریاست دارالانشاد ایالتی انتخاب شده به ارض اقدس رفته به صدور احکام و ارقام و تحریرات دولتی و ایالتی می‌پرداخت.»

بعد از فتح تهران و سقوط حکومت محمدعلی شاه و پایان استبداد صغیر و در زمان ریاست وزارت علاءالسلطنه و وزارت داخله عینالدوله افضل الملک در سال ۱۳۳۱ هجری قمری به معاونت حکومت مازندران انتخاب شد و ماهی صد و پنجاه تومان حقوق دیوانی به او داده شد. در این سفر وی «جغرافی تمام بلوک مازندران که ابتدا از لوسان و دماوند و فیروزه‌کوه است و تاریخ قدیم و جدید آن مملکت را نگاشته و چون حاکم مازندران در آن هنگام رکن الدوله بوده آن را رکن الاسفار نامیده.» وی پس از یکسال به طهران احضار و «از آن پس دیگر به خدمت دیوانی نپرداخته، اغلب اوقات به مطالعه کتب سیر و تواریخ و دواوین شمرای باستان از عرب و عجم استقلال دیوان نظم و نثر و مقاله عربی او که منظره با مرحوم فضل الله بنای نگار است در آستانه رضویه سپرده شد و مرحوم میرزا داود ملایشی رحمه الله جمع آوری کرده و دیباچه بر آن نگاشته و آن نظم و نثر منون شده با دو نسخه در کتابخانه خود وی موجود است.»^۱ افضل الملک در بیست و سوم محرم سال ۱۳۴۸ هجری قمری برابر با ۱۳۰۸ هجری شمسی و ۱۹۲۹ میلادی در تهران از دنیا رفت. آثار افضل الملک را در مقدمه کتاب افضل التواریخ خاتم منصوره اتحادیه و آقای سیروس سعدوندیان به ترتیب زیر بر شمرده‌اند:

۱. افضل التواریخ: اشتمال بر بیان واقعات عهد مظفری از سنه ۱۳۱۳ الی ۱۳۱۷ هجری قمری.
۲. رکن الاسفار که بیشتر شرح آن گذشت.
۳. سحر سامری و سفرنامی.
۴. سفرنامه خراسان و کرمان.
۵. کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم.
۶. سفرنامه قم یا تاریخ و جغرافیای قم.
۷. ظفرنامه عضدی.
۸. کراسه المعی.
۹. تاریخ صدور قاجاریه.
۱۰. صدرالتواریخ.
۱۱. قرن السعاده یا قرن السعادتین.
۱۲. ترجمه اعلام الناس بما وقع للبرامکه من بنی عباس.
۱۳. افضل التفاضیر.^{۱۱}



صفحه آخر نسخه خطی
سفرنامه اثر افضل الملک

۵. ترجمه اعلام الناس بما وقع للبرامکه من بنی عباس.
۶. قرن السعادتین.
۷. سفرنامه کلاردشت.

همانگونه که ملاحظه می‌شود در هیچ‌کدام از دو فهرست بالا نامی از کتاب سفرنامه اصفهان یا تاریخ اصفهان به چشم نمی‌خورد.^{۱۱} با توجه به تحریری بودن متن مسلم می‌شود که این نسخه از دست نوشته‌های نگارنده در عهد جوانی و عهد ناصری است. از این رو احتمال دارد که به عنوان یک تجربه به حساب آمده یا در آن زمان از طرف اعتمادالسلطنه به عنوان یک کار ضعیف رد شده باشد. بهر حال این نسخه در حال حاضر با شماره ۷۹۷۶ در کتابخانه مجلس

◀ افضل الملک در
بیست و سوم محرم
سال ۱۳۴۸ هجری قمری
برابر با ۱۳۰۸ هجری
شمسی و ۱۹۲۹ میلادی
در تهران از دنیا رفت

الملک و سفرنامه اصفهان

○ تألیف: دکتر ابوالفضل

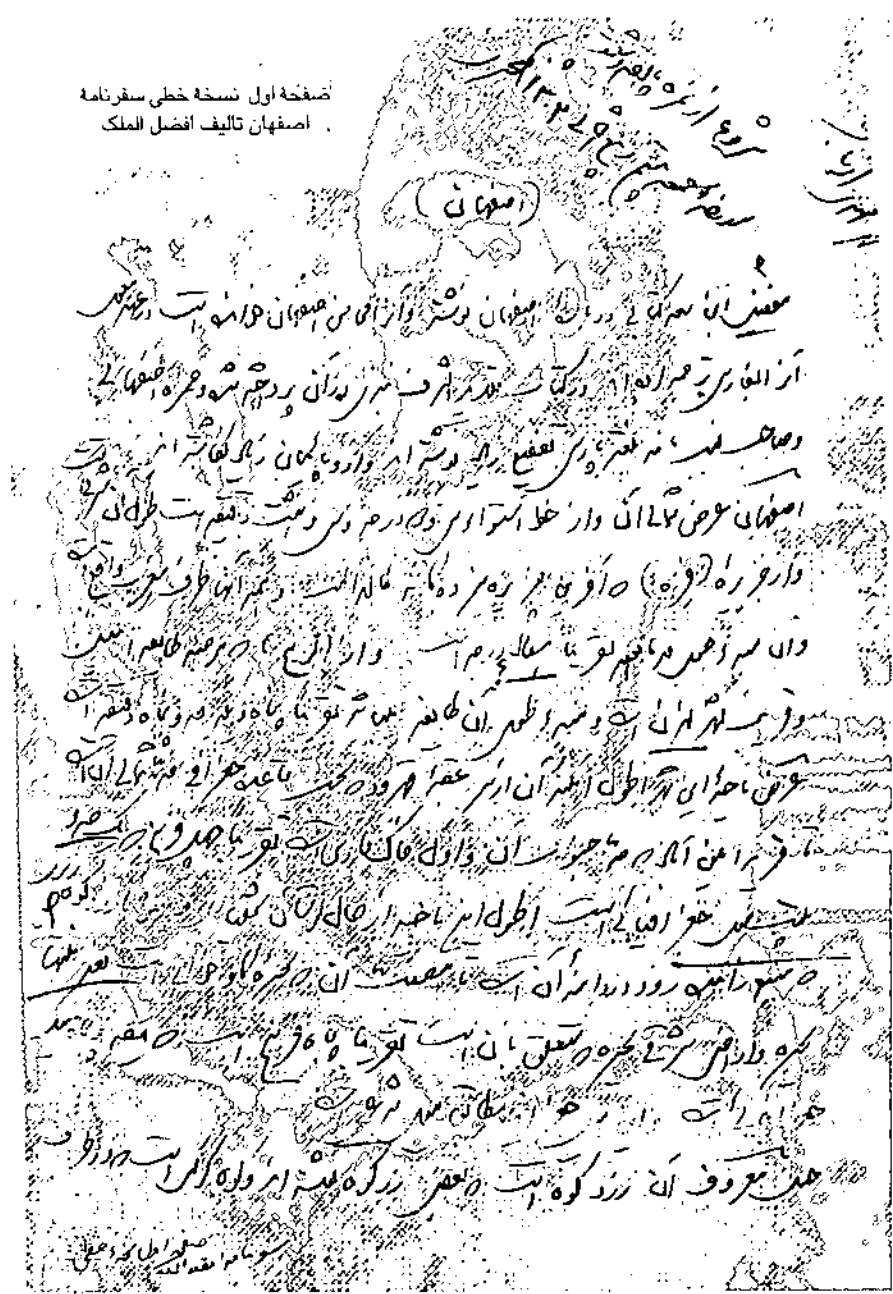
شورای اسلامی وجود دارد و در فهرست نسخ خطی این کتابخانه در جلد بیست و ششم معرفی شده است. این نسخه توسط فرزند وی در ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ به کتابخانه مجلس اهدا شده است.

دیگر آنکه نسخه‌ها همانطور که ذکر گردید تحریری و به خط و نگارش خود نویسنده است و هیچ کاتبی آن را پرداخت ننموده و تنظیم نکرده است. پس بنابراین جای تردیدی نیست که در آن اشکالات دستوری و لغوی باشد. در تصحیح سعی شده که اصل متن حفظ و امانت رعایت گردد.

اما در مقدمه سفرنامه خراسان و کرمان، آثار وی اینگونه معرفی شده است:
۱. تاریخ افضل در سه جلد. جلد اول به نام جلوس مظفری و جلد دوم افضل التواریخ و جلد سوم وقایع سال ۱۳۳۴ هجری قمری که به دستور امین السلطان نوشته شده است.

۲. کراسه المعی یا کراسه اعتمادی.
۳. سفرنامه خراسان و کرمان.
۴. سفرنامه قم که در آن از اسناد مستوفیان استفاده کرده است.

صفحه اول نسخه خطی سفرنامه اصفهان تالیف افضل الملک



اینجانب در بهار ۱۳۷۸ که به بررسی کتب تصحیح نشده مرکز آموزش و پژوهش و اسناد و مزارک مجلس شورای اسلامی نظر آنرا ختم و متوجه ارزش این رساله شدم و آن را جهت تصحیح انتخاب نمودم که با همکاری این مرکز خوشبختانه تصحیح مقابله و تنظیم و آماده چاپ گردید. این سفرنامه‌طاری ارزشهای زیر است:

۱. این اثر دارای خط تحریری و هنوز برای چاپ یا استفاده دیگری تنظیم نشده است.
۲. در این نسخه مؤلف از بناهای عهد صفوی که بیشتر به دست ظل‌السلطان نابود شد و همچنین دژ قدیمی طبرک را که خود دیده نام برده و از آن سخن گفته است.
۳. در این کتاب با روستاهایی که امروزه حتی اسمشان به روی نقشه جغرافیا نیست یا اگر هم هست از آنها فقط خرابه‌هایی باقی مانده و همچنین ارزش زمین‌های کشاورزی آشنا می‌شویم.
۴. در این کتاب همچنین محدوده سیاسی اصفهان با توجه به عوارض جغرافیایی آن مطرح می‌شود که امروزه به همین لحاظ مرزهای این استان مشخص گردیده است.
۵. پارهای از اینه هم خود نویسنده بناها اشاره نکرده در حالی که از آثار مهم عهد صفوی بوده است. این شاید بنان دلیل است که در زمان نگارش این اثر هم این آثار موجود نبوده نظیر باغ مکه و مناره شاخ‌ها که کمبهر به ویژه آن را شرح داده‌است. علی‌ایحال در تعلیقات اطلاعات مفصل‌تری درباره این آثار ارائه شده است.
۶. در پارهای از بناها به هنگام معرفی نویسنده از کتابت به جای کتیبه استفاده کرده که تصحیح و در معرفی آن سعی گردید کتیبه‌های تقریر شده با متن آن معرفی گردد.

پانویست‌ها:

۱. بنما، سال ۱۶، ش ۵، شماره مسلسل ۱۸۱، مرداد ۱۳۴۲ شمسی، تهران: مقاله مقدمه جلد سوم افضل التواریخ ایرج افشار، ص ۲۲۰
۲. مدینه‌الادب ذیل ادیب کرمانی، ص ۸۶.
۳. مدینه‌الادب ذیل ادیب کرمانی، ص ۸۶.
۴. منظور از پنج طایفه ایل چمشگزک است که شاه عباس اول از غرب کشور به قوچان فرستاد جهت جلوگیری از حملات ازبکها و ترکمن‌ها و آنها پنج طایفه زعفرانلو، شادلو، کاونلو، عمارلو و قراچورلو هستند. شاکری، رضائعلی، اثر کتابه تهران، امیر کبیر ۱۳۶۵، ص ۵۴.
۵. مدینه‌الادب ص ۸۶.
۶. مدینه‌الادب ص ۸۷.
۷. مدینه‌الادب ص ۸۷.
۸. مدینه‌الادب ص ۸۷.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. افضل الملک میرزا غلامحسین خان افضل التواریخ به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سلوندیان تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، مقدمه ص ۱۴.
۱۲. در شماره ۳۳ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مقاله‌ای با عنوان «شرحی از احوالات ناگفته «غلامحسین خان افضل الملک» از خاتم نادره جلالی به چاپ رسیده که در آنجا نیز به کتاب تاریخ یا سفرنامه اصفهان اثر افضل الملک هیچ اشاره‌ای نشده است. اینجانب که اثر یاد شده را تصحیح نمودم و امید است طی ماههای آینده در اختیار محققان تاریخ قرار گیرد از این رو شرحی مجدد بر زندگی افضل الملک نگاشتم که امینوارم حمل بر تکرار مکررات نگردد، بلکه هدف معرفی اثر ارزشمند سفرنامه اصفهان غلامحسین خان افضل الملک بوده است.
۱۳. اوی، حسین بن محمد بن ابی‌الرضا، ترجمه محسن اصفهان به اهتمام عباس اقبال، تهران، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸، ص ۵.

سوم آنکه از آنجا که این نسخه بدلی نداشتن مطابقت آن با کتبی صورت گرفته که خود نگارنده آن را به عنوان منابع معرفی و از آنها بهره جسته است. مهمترین این منابع، رساله محاسن اصفهان و ترجمه این رساله است. این رساله به زبان عربی است و آن را مفصل بن مسعود بن الحسین المافروخی الاصفهانی نگاشته است. این شخص منسوب است به المافروخی و مافروخ بن بختیار جد مؤلف. ماه فروخ بن بختیار از کلمات ماه و فرخ گرفته شده است و او از اولاد آخر شاپوران بن آخر مانان الاصفهانی است. وی محاسن اصفهان را بین سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ هجری قمری همزمان با آلب ارسلان این شجاع محمندن چنری بیک داودبن میکائیل (مقتول در ۴۶۵) و فرزندش ابی‌الفتح ملکشاه بن آلب ارسلان (متوفی ۴۸۵) سلجوقی نگاشته است.

این رساله را حسین محمدبن ابی‌الرضا علوی اوی از زبان عربی به نام خواجه معرفت‌پژوه و فاضل نواز، غیاث‌الدین محمدبن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به قالب فارسی در آورده و آن را در سال ۷۲۹ یعنی در ایامی که خواجه وزارت ابوسعید بهادرخان را داشته به او تقدیم نموده.^{۱۳} آن را ترجمه رساله محاسن اصفهان نامیده و این کتب بهترین منبع نگارنده در سفرنامه اصفهان بوده است. مؤلف علاوه بر متن فوق‌الذکر، از کتاب قلاید اشرف و کتاب اصفهان حمزه اصفهانی نام می‌برد. از ترجمه‌های سفرنامه‌نویسانی چون شاردن و کمبفر و تاریخ سرجان ملکم و دره ناصری نیز از منابع مهم تاریخی این اثر یادیداد کرد.

افضل الملک در سه سفر خود به خراسان، سه سفرنامه نوشته است که جغرافی و شرح حال رجال و صورت مالیات آن سامان در آن ثبت و ضبط است. سفرنامه‌ای هم درباب کرمان و راه لوت نوشته که مطالب تاریخی در آن مندرج است